



Reflecting the concept of liberation in the themes of the national anthems of Iran, Venezuela and Cuba Based on the theory of Herbert Marcuse

Azadeh Pooyan¹ | Parsa Shamsi²

1. Corresponding Author, Assistant Professor of Art University; Tehran, Iran. Email: p.azadeh@art.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Semnan Branch, Islamic Azad, Semnan, Iran. Email: sha_parsa@yahoo.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 23 Desember , 2022
Received in revised form: 24 September 2023
Accepted: 6 November 2023
Published online: 27 November 2023

Keywords:

National Anthem, Herbert Marcuse, Iran, Venezuela, Cuba

ABSTRACT

National anthems along with the flag are the most important national symbols of countries and in terms of ranking, they are placed in the first category of national symbols. The national anthem of the countries, which is also their official anthem, is a concise, artistic and auspicious mixture of words and music, whose words, with all their brevity, indicate the type of culture, society, language, history, religion, ethics, race, nature, government. It is the ideal of its people and their land, and its musical sounds express the spirit of patriotism, hospitality, pacifism, growth, happiness, love and respect for the nations of other countries, behind all of them, Azarakhshi. It is also hidden from the spirit of bravery, bravery, defense and invincibility against the attack and domination of potential enemies. In this research, we have investigated the concept of liberation based on Marcuse's theory in the themes of the national anthems of Iran, Venezuela and Cuba, which faced the revolution, with a descriptive and analytical method. The results show that the national anthems after the revolution of the mentioned countries often do not have a nationalist aspect and most of the slogans are revolutionary and are against the global capitalist system. They often seek to create unity among supporters of the revolutionary cause worldwide. This hymn has an Islamic theme in Iran and is consistent with the oppressed Muslims of the world. The music of these hymns is close to a military march, its rhythm is fast and similar to revolutionary songs. In fact, revolutionaries come to work and want to make extensive and revolutionary changes in the true sense of the word. What is more prominent in these hymns than other themes is the idea of liberation and freedom, which is very closely related to Marcuse's concept of liberation.

Cite this article: Pooyan, A. & Shamsi, P (2023). T Reflecting the concept of liberation in the themes of the national anthems of Iran, Venezuela and Cuba Based on..., *Sociology of Art and Literature (JSAL)*, 15 (1), 21-35.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.352848.666205>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.352848.666205>

بازتاب انگاره‌رهای در مضامین سرود ملی پس از انقلاب کشورهای ایران، ونزوئلا و کوبا

براساس تئوری هربرت مارکوزه

آزاده پویان^۱ | پارسا شمسی^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه هنر، تهران، ایران. رایانامه: p.azadeh@art.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. رایانامه: sha_parsa@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	سرودهای ملی به همراه پرچم، مهم‌ترین نمادهای ملی کشورها هستند و از نظر رتبه‌بندی در دسته الف نمادهای ملی قرار می‌گیرند. سرود ملی کشورها که سرود رسمی آنها نیز هست آمیزه‌ای است موجز و هنرمندانه و فرخنده از واژه‌ها و موسیقی که کلمات‌شان با همه کوتاهی، نشانگر نوع فرهنگ، جامعه، زبان، تاریخ، دین، اخلاق، نژاد، طبیعت، حکومت، روحیه و آرمان آن مردمان و سرزمین‌شان است و آواهای موسیقی‌اش بیانگر روح میهن‌دوستی، مهمان‌نوازی، صلح طلبی، بالندگی، شادمانی، عشق‌ورزی و احترام به ملل کشورهای دیگر که در پس همه آن‌ها، آذرخشی از روح دلاوری، جانبازی، دفاع و تسلیم‌ناپذیری در برابر هجوم و سیطره دشمنان احتمالی نیز نهفته است. در این پژوهش با شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی انگاره‌رهای براساس تئوری مارکوزه در مضامین سرودهای ملی کشورهای ایران، ونزوئلا و کوبا که با انقلاب مواجه شده‌اند، پرداخته‌ایم. نتایج نشان می‌دهد سرود ملی پس از انقلاب کشورهای مذکور، اغلب جنبه ناسیونالیستی ندارد و بیشتر شعارهایی انقلابی هستند و سرستیز با نظام سرمایه‌داری جهانی را دارند. آن‌ها اغلب به دنبال ایجاد اتحاد در میان هواداران آرمان انقلابی در سطح جهان هستند. این سرود در ایران تم اسلامی دارد و با مسلمانان مظلوم جهان هم‌نوایی دارد. موسیقی این سرودها به مارش نظامی نزدیک می‌شود، ریتمش تند و شبیه آهنگ‌های انقلابی است. در واقع انقلابی روی کار می‌آیند و می‌خواهند تغییرات گسترده و انقلابی به معنی واقعی کلمه ایجاد کنند. آنچه در این سرودها از سایر مضامین پرنرنگ‌تر است همان انگاره‌رهای و آزادی است که با مفهوم رهایی مارکوزه مناسبت بسیار نزدیکی دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۷/۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶	
کلیدواژه‌ها:	
سرود ملی، موسیقی، انگاره‌رهای، هربرت مارکوزه، کشورهای ضد امپریالیستی، ایران، ونزوئلا، کوبا.	

استناد: پویان، آزاده. و شمسی، پارسا (۱۴۰۲). بازتاب انگاره‌رهای در مضامین سرود ملی پس از انقلاب کشورهای ایران، ونزوئلا... جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۱۵ (۱)،

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.352848.666205>

۳۵-۲۱



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JSAL.2023.352848.666205>

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مساله

سرودهای ملی به عنوان متونی برساخته و نمادین از رویکردها و کانون‌های توجه کشورهای همواره قابل تأمل و بررسی بوده و هستند. سرودهای ملی نماد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورها هستند. بیشتر آن‌ها را می‌توان متأثر از فرهنگ مردم دانست.

علی‌رغم شعار دهکده جهانی، ملت‌های جهان همچنان در تلاش برای حفظ و متمایزسازی نمادهای ملی خود هستند. سرود ملی یکی از سه نماد رسمی هر کشوری محسوب می‌شود (کلستو، ۲۰۰۶). سرود ملی قطعه‌ای موسیقی به همراه شعر است که عصاره فکر و آمال یک ملت یا حکومت را به جهانیان عرضه می‌کند. این نماد به عنوان هویت کشورها و نمایندگان آن‌ها در جلسات سیاسی، رقابت‌های ورزشی و سایر گردهمایی‌های بین‌المللی معرفی می‌شود. افراد با شنیدن سرود ملی کشور خود به وجد می‌آیند و احساسات‌شان برانگیخته می‌شود (سنجایی و داوری، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

نقش سرود ملی در بازتاب باورهای ایدئولوژیکی یک ملت آنقدر زیاد است که با تغییرنظام حکومتی یک کشور، سرود ملی آن کشور نیز تغییر می‌کند تا باورهای نظام جدید را منعکس سازد. این امر در کشورهایی که با انقلاب مواجه بوده‌اند، مشهود است (زارع و باباپور، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

به طور کلی در پیدایش یا تغییرات اکثر سرودهای ملی، اراده ملی مردم بیش‌ترین نقش را داشته است. از این رو رمز ماندگاری بعضی از سرودهای ملی را در بیان احساس و آمال مردمی و یا اهداف مقدس آنان می‌دانند (آزاده، ۱۳۸۳: ۵۲۰). اگر چه در محدود کشورهای غیرمردمی همواره این چنین نیست.

ما در این نوشتار برآن هستیم تا مضامین محتوایی و موسیقایی سرودهای ملی کشورهای ایران، ونزوئلا و کوبا را که همگی با انقلاب مواجه بوده‌اند، بررسی کنیم. سوال اصلی تحقیق حاضر این است که مضامین محتوایی و موسیقایی سرودهای ملی کشورهای ایران، ونزوئلا و کوبا که پس از انقلاب سرکار آمده‌اند چیست؟ مضمون‌هایی که در سرود تمام این کشورها مشهود است با تئوری هربرت مارکوزه درباب مفهوم‌های و آزادی چه نسبتی دارد؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

درباره سرودهای ملی تاکنون تحقیقاتی با رویکردهای گوناگون صورت گرفته که در این‌جا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم: از میان پژوهش‌گران غیرایرانی که درباب سرود ملی بیشتر با نگاه جامعه‌شناختی و موسیقایی به تحقیق پرداخته‌اند می‌توان جهودا (۱۹۶۳)، خاوتاج (۱۹۹۵)، ریبن (۲۰۰۵)، کاساک (۲۰۰۵)، کلستو (۲۰۰۶) و مایکل مور را نام برد. آزاده (۱۳۸۴)، نادری (۱۳۸۸) و بیچرانلو (۱۳۹۲)، پژوهشگران ایرانی هستند که تحقیقاتی با نگاه موسیقایی و زبانی پیرامون سرودهای ملی انجام داده‌اند (نقل از سنجایی و داوری، ۱۳۹۳: ۱۲۹). از پژوهش‌های اخیر می‌توان بدین موارد اشاره کرد:

مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان‌شناسی گزیده‌ای از سرودهای ملی کشورهای جهان» از سعید مهرپور و دیگران چاپ شده است که در آن سرود ملی هفتاد کشور جهان را به صورت تصادفی انتخاب و با استفاده از روش تحلیل محتوی کارکرد آن را بررسی می‌کند. نتایج نشان داده که ۲۹ نقش متفاوت توسط جملات این سرودها بیان می‌شود که نقش‌های توصیف و ندا به ترتیب پربسامدترین و نقش‌های ملامت و انذار و تسلی کم‌بسامدترین کارکردها را داشته‌اند.

مقاله دیگری با عنوان «توصیفی فرازبانی از سرودهای ملی کشورهای جهان و ارتباط آن با توسعه‌یافتگی» از اعظم سنجابی و نگار داوری اردکانی به چاپ رسیده است که در این پژوهش به سرودهای ملی در چارچوب الگوی لاکلاوموفه و رویکرد ون دایک و برخی ابزارهای زبان شناختی پرداخته شده است و به این سوالات پاسخ داده شده که دال‌های مرکزی سرودهای ملی کشورها کدامند و چه رابطه‌ای میان درجه توسعه‌یافتگی کشورها و مفاهیم مندرج در سرودهای ملی وجود دارد؟

جواد زارع و شیما باباپور در مقاله «بازتاب باورهای ایدئولوژیک در سرودهای ملی جهان» بر آن بوده‌اند تا انعکاس باورهای ایدئولوژیک را از طریق تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی در سرودهای ملی سه گروه کشور سرمایه‌محور، جامعه‌گرا و مسلمان بررسی نمایند.

مقاله دیگری از اعظم سنجابی و نگار داوری اردکانی با عنوان «کاوشی در ساختار زبانی و محتوایی سرودهای ملی (مطالعه تطبیقی) کشورهای آسیایی و پنج عضو دائم شورای امنیت» چاپ شده است. این تحقیق بر آن بوده تا به سرود ملی از منظر زبان‌شناختی در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان و نظریه گفتمان (تلفیقی از ابزارهای رویکرد ون دایک و نظریه لاکلاوموفه) بپردازد. به این منظور ترجمه فارسی سرودهای ملی ۴۸ کشور آسیایی و نیز ۵ کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد بررسی شده است.

در نوشتار «تحلیل محتوای مضامین به کاررفته در سرودهای ملی کشورهای غرب آفریقا» به قلم کاسما رای آموروویو گرتروید بیند پوگروما که به زبان انگلیسی نگاشته شده، مضامین سرودهای ملی کشورهای غرب آفریقا بررسی شده است. این مضامین شامل اتحاد، دین، آزادی و فروتنی است که از نظر زبانی با عباراتی واضح بیان شده است.

مقاله «بررسی رابطه سرودهای ملی حماسی با انگیزش احساسات و همبستگی غرور ملی» از مریم سادات غیاثیان و علی‌اکبر لبش که در این پژوهش سعی شده تعدادی از مولفه‌های هویت ملی موجود در سرودهای ملی حماسی مطالعه شوند و چگونگی تاثیر آن‌ها بر ایجاد حس غرور ملی مورد بررسی قرار گیرد.

عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی نیز مقاله‌ای با عنوان «بررسی مولفه‌های گفتمان‌مدار در مرجع ایدئولوژیک سرودهای ملی کشورهای عربی حوزه شام براساس مدل وندایک» نگاشته است که هدف از نگارش آن کشف مولفه‌های گفتمان‌مدار سرودهای ملی کشورهای عربی حوزه شام (لبنان، اردن، سوریه، فلسطین و عراق) است که منجر به ارائه هویت ملی در زبان می‌شود.

اخیرا مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مضامین سرودهای ملی انقلابی کشورهای ایران، روسیه و فرانسه» از زهره پیرانی و زاهد غفاری در نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات به چاپ رسیده که به بررسی مقایسه‌ای مفاهیم اساسی سرودهای ملی کشورهای ایران، روسیه و فرانسه پرداخته است.

۱-۳ روش تحقیق

در این پژوهش محتوا و مضامین موسیقایی سرود ملی کشورهای ایران، ونزوئلا و کوبا پس از انقلاب بررسی و با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد جامعه‌شناسانه (نظریه هربرت مارکوزه در باب رهایی) مضامین فراملی سرودهای مذکور تبیین و تحلیل شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. کلیات تفکر مارکوزه

هربرت مارکوزه (Herbert Marcuse) متولد ۱۹ ژوئیه ۱۸۹۸ در برلین و متوفای ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۹ در اشترنبرگ آلمان غربی، فیلسوف، جامعه‌شناس آلمانی و از اعضای اصلی مکتب فرانکفورت بود. در سال‌های ۱۹۶۰ در مقام فیلسوف، نظریه‌پرداز اجتماعی و فعال سیاسی به شهرت جهانی دست یافت و در رسانه‌ها به عنوان «پدر چپ نو» بلندآوازه شد. مارکوزه، استاد دانشگاه و نویسنده شماری کتاب و مقاله، زمانی در ایالات متحده به دو دلیل انگشت‌نما بود: هم بر «چپ نو» تأثیرگذار بود، هم از آن دفاع می‌کرد. نظریه‌اش درباره جامعه «تک‌ساختی» دیدگاه‌هایی انتقادی درباره جوامع سرمایه‌داری و کمونیستی دولتی معاصر به دست داد و توجهش به «حق انتخاب بزرگ» او را در مقام نظریه‌پرداز تغییر انقلابی و «**رهایی از دولت مرفه**» پرآوازه کرد. در نتیجه، او به یکی از پرنفوذترین روشنفکران ایالات متحده در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بدل شد. اما در نهایت، شاید هنوز سهمش در فلسفه مهم‌تر باشد (کتابی، ۱۳۷۲: ۳۰).

پایه اصلی «نظریه انتقادی» مارکوزه همان عقاید مارکس است که در ابتدا سعی دارد بیگانگی و انزوای فرد، بهره‌برداری از وی، پذیرش ارزش‌های اضافی و جمع‌آوری سرمایه در جامعه سرمایه‌داری را توصیف کند. وی چنین جامعه‌ای را به شدت مورد نقد قرار می‌دهد و در انتها تصویری از جامعه‌ای رها از جنبه‌های سرکوب‌کننده نظام سرمایه‌داری را به نمایش درمی‌آورد. مارکوزه در کتاب خود با نام *انسان تک‌بعدی*، به محرکه‌هایی از قبیل فناوری و خردگرایی و تأثیر آنها بر جامعه اشاره می‌کند و سعی بر اضافه کردن توضیحاتی به عقاید مکس وبر دارد. طبق عقیده مارکوزه خرد تحمیل شده جای خردی عمیق‌تر را گرفته است. با بررسی‌ای منطقی، مارکوزه بیان می‌دارد که جامعه سرمایه‌داری پیشرفته، **تک بعدی** شده است. جامعه‌ای بدون اپوزیسیون که توسط نیروهای درونی‌ای کنترل می‌شوند که با مخالفت‌ها، حق انتخاب و انتقاد مقابله می‌کنند. این چنین جامعه‌ای در ظاهر دیکتاتوری نیستند (در آن آزادی و دموکراسی وجود دارد) ولی مخالفت‌های واقعی و تغییرات اساسی به خاطر ساختار آن جامعه محدود شده است. در ظاهر آن جامعه پذیرای انتقادها است ولی به شیوه‌ای آن انتقادها را جذب و در خود حل می‌کند که در نهایت بی‌فایده است. مکانیزه و متمرکزشدگی و تناسب موجود در جامعه مدرن باعث به وجود آمدن نوعی **فردگرایی و بیگانگی** شده است. چنین **جامعه‌ای به نظر آزاد و دموکراتیک می‌آید ولی در واقع تحت سلطه فناوری‌ها، فردیت مورد سرکوب قرار گرفته است** (مارکوزه، ۱۳۵۹: ۸).

طبق دیدگاه مارکوزه، انسانی که خود را به طور کامل درگیر کالاهای انبوه تولید شده در نظامی مانند نظام سرمایه‌داری می‌کند، در واقع خود به نوعی دیگر **برده انسان‌ها و تجهیزات تولید شده توسط آنها** شده و **آزادی خود را تسلیم** این امکانات کرده است. دارایی‌ها و خوشبختی وی با خواست شخصی خود او بدست نیامده، بلکه با تجهیزاتی به او تحمیل شده است. از این رو انسان خود را تحت سلطه چیزی خارج از وجود خود درآورده است. از دیدگاه مارکوزه در جامعه کنونی رضایت حقیقی انسان تقریباً غیرممکن است و این نه به علت وجود موانعی برای رسیدن به آزادی و شادی است، که لذت‌های اصلی در چنین نظامی غیرواقعی است (کتابی، ۱۳۷۲: ۳۱).

مارکوزه معتقد است که باید به انسان‌ها برای خودشناسی و تعیین اهداف خود وقت و فضا داده شود. تحت نظامی مانند نظام سرمایه‌داری در حال توسعه، اطراف انسان با تولیدات انبوه که هرکدام می‌خواهد به نحوی در صورت امکان او را ارضا کند، پر شده است (مارکوزه، ۱۳۵۹: ۲۰۲). طبق دیدگاه مارکوزه تنها راه نجات جامعه‌ای که خود را توسط اقتصاد و سرمایه انبوهش بازتولید می‌کند،

قیام کردن است. این به دلیل آن است که اگر در چنین جامعه‌ای انسان‌ها به دنبال لذت‌های دنیوی هستند، مطمئناً قدرت بررسی کردن مسایل، شیوه زندگی سودگرایی و مادی‌گرایی و درک قدرت تاثیرگذار اقتصاد برای پایداری این چنین نظامی را ندارند. یکی از مشکلات فلسفه وی آن بود که راهکاری سیاسی و یا اجتماعی دقیقی برای آنها که در تلاش برای مقابله با کسانی که سعی در کنترل شهروندان داشتند و مانع دستیابی به آزادی حقیقی که او تعریف می‌کند، می‌بودند، ارائه نداد. با وجود این کاستی، وی به طور جامع در رابطه با کم و کاستی‌ها، مشکلات و نواقص جامعه مدرن توضیح داده است. علاوه بر آن مارکوزه با جریان‌های اجتماعی جدید از قبیل جریان‌های ضد جنگ، جنبش‌های دانشجویی و حقوق مدنی، همزادپنداری می‌کرد و هرچند که ایجاد تغییر در آن جامعه را دور از انتظار می‌دید، این جریان‌ها را شروعی برای آن می‌دانست.

مفاهیم مرکزی در نظریه انتقادی مارکوزه در باب فناوری مفاهیمی چون رهایی، شیء‌گشتگی، ظلم و ستم، کالایی شدن، از خود بیگانگی و... است.

۲-۲. انگاره رهایی (Emancipation) در دیدگاه هربرت مارکوزه

مارکوزه در کتاب «گفتاری در باب رهایی» برای رهایی بشر از دام ازخودبیگانگی، بر دوگونه انقلاب تأکید می‌کند: **انقلاب ادراکی و انقلاب ساختاری.**

۲-۲-۱. انقلاب ادراکی از دید مارکوزه

او می‌گوید: «جامعه مستقر موجود، ابزار ادراکی یکسانی را بر تمامی اعضای خود تحمیل می‌کند و جامعه به رغم تمامی اختلاف دیدگاه‌ها، افق‌های فکری و زمینه‌های فردی و طبقاتی، تجربه یکسانی را به همگان عرضه می‌دارد. در نتیجه قطع رابطه با تداوم پرخاش‌جویی و استثمار به معنی گسستن از احساساتی است که خود را با این جهان تطبیق داده است. عصیانگران امروز می‌خواهند چیزهای نو را به شیوه‌ای نو بنگرند، بشنوند و احساس کنند. اینان آزادسازی و رهایی را در گرو امحای ادراک معمول و مرسوم می‌دانند (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۱۰۷).

مارکوزه تأکید می‌کند که بی‌گمان بهره‌مندی انسان‌ها از آزادی اقتصادی، سیاسی و فکری، اهمیت بالایی دارد و برای بهره‌مندی از آزادی اقتصادی باید از فشار قدرت‌ها و مناسبات اقتصادی غالب رهایی یافت، تا بتوان به یک زندگی راستین دست یافت. تغییر برای مارکوزه، پایان دادن به استثمار و بهره‌گیری مادی و فکری از افراد است. این تغییر را فاعل انقلابی انجام می‌دهد و «فاعل انقلابی فقط در فراگرد خودتغییر می‌تواند پرورش یابد. فاعل انقلابی در عمل و در تکامل آگاهی و عمل پدیدار می‌شود». در حقیقت نیاز به تغییر ریشه‌ای می‌باید از ذهنیت تک تک انسان‌ها، از هوش و عواطف‌شان و از رانه‌ها و غایات‌شان برخاسته باشد (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۹۹).

به همین دلیل هم جنبش‌های رهایی‌بخش همواره پیوندی میان حوزه تغییرات شخصی، با حوزه تغییرات سیاسی ایجاد کرده‌اند و این پندی است که جنبش‌های اجتماعی جدید (جنبش‌های ضد سرمایه داری، ضد نژادپرستی، فمینیستی، زیست‌محیطی و چپ) از تاریخ خود آموخته‌اند.

۲-۲-۲. انقلاب ساختاری از دید مارکوزه

به باور مارکوزه، سازماندهی کنونی جامعه به واسطه تحمیل اجتماعی کار غیر ضروری، قیدوبندهای غیر لازم برای تمایلات جنسی و نظام اجتماعی سازمان یافته بر مدار سود و بهره‌کشی، « سرکوب اضافه » تولید می‌کند و به همین دلیل هم او، پایان سرکوب و ایجاد جامعه‌ای جدید را ضروری دید و در این راستا بر نوع دیگری از انقلاب تأکید می‌کند که انقلاب ساختاری نامیده می‌شود (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

بی‌گمان نیاز به شرایط بهتر کاری، درآمد بالاتر و آزادی بیشتر، در چارچوب نظم موجود نیز می‌تواند برآورده شود. بنابراین آنچه شهروندان را مجبور به برهم زدن ساختار موجود در قالب انقلاب می‌کند، چیزی ورای این مسائل است که سبب می‌شود برای مردمی که همه چیز دارند، یا می‌توانند امیدوار باشند که در آینده خواهند داشت مانند پوشاک مناسب، خوراک کافی، تلویزیون، خانه و...، واژگونی نظم موجود، ضرورتی حیاتی باشد.

بی‌گمان برای مارکوزه، هدف از طغیان و انقلاب، واپس‌گرایی به دوران پیش از تمدن بشر نیست، بلکه بازگشت به زمان از دست رفته خیالی در زندگی واقعی بشر است؛ یعنی نیل به مرحله‌ای از تمدن است که آدمی در ضمن آن باید دریابد که سازماندهی جامعه برای چیست و برای کیست؟ اینجاست که باید آدمی دریابد که آزادی و رهایی از حاکمیت کالا بر انسان، پیش شرط آزادی است و به همین دلیل هم مارکوزه معتقد است که کار به واسطه انقلاب است که دیگر از خودبیگانه نیست (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

۳. بحث و بررسی

سرود ملی، منبعی موجز از تاریخ، اعتقاد و فرهنگ یک ملت است که به هم‌گرایی بیشتر مردمان یک کشور کمک می‌کند. بنابراین مضامین و محتوای سرودهای ملی جهت‌دار نیز هستند. اگرچه سرودهای ملی از جنبه‌های گوناگونی بررسی شده‌اند، اما همچنان می‌توان از ابعاد دیگری بدان‌ها نگریست. این پژوهش برآن است که به سرود ملی و موسیقی آن از منظری جامعه‌شناسانه بپردازد.

۳-۱. مضامین ایدئولوژیک و انگاره‌های (Emancipation) در سرودهای ملی

سرود ملی قطعه‌ای موسیقی است که غالباً وطن‌پرستانه است و به تاریخ، سنن و مبارزات مردم یک کشور اشاره‌ای ستایش‌آمیز دارد. سرود ملی، سرود رسمی یک ملت است که مورد تایید دولت قرار می‌گیرد و در موقعیت‌های متنوعی همچون تعطیلات ملی، فستیوال‌ها، رویدادهای ورزشی و غیره نواخته می‌شود. هنگام خواندن سرود ملی آداب خاصی همچون احترام نظامی، ایستادن و کلاه از سر برداشتن رعایت می‌شود (زارع و باباپور، ۱۳۹۸: ۱۰۱).

با توجه به اهمیت سرودهای ملی، آنها غالباً در زمینه مفاهیمی چون جنگ‌های گذشته، تقدیر از رهبران پیشین، تعریف از زیبایی‌های جغرافیایی کشور و تحسین ویژگی‌های برجسته اخلاقی مردمان آن کشور است.

اگر مضامین ایدئولوژیک سرودهای ملی مذکور دسته‌بندی شوند شامل مضامین آزادی، ملی‌گرایی، دین، اتحاد، چهره مطرح، پایداری، خصم، نظام دولت و موفقیت خواهد بود. در این میان مضمون آزادی یا رهایی در سرودهای ملی کشورهای انقلابی پررنگ‌تر است که در این‌جا علاوه بر بررسی سایر مضامین به تحلیل آن می‌پردازیم:

۳-۱-۱. مضامین ایدئولوژیک و انگاره‌رهای (Emancipation) در سرود ملی ایران

متن سرود ملی ایران

سرزد از افق مهر خاوران / فروغ دیده حق باوران / بهمن فر ایمان ماست / پیامت ای امام استقلال آزادی / نقش جان ماست / شهیدان پیچیده در گوش زمان فریادتان / پاینده مانی و جاودان / جمهوری اسلامی ایران.

درون مایه‌هایی که در سرود ملی ایران می‌توان یافت شامل مفاهیم **آزادی**: (پیامت ای امام استقلال، آزادی)؛ **پایداری**: (شهیدان پیچیده در گوش زمان فریادتان)؛ **دین**: (بهمن فر ایمان ماست)؛ **چهره مطرح**: (پیامت ای امام) و **نظام دولت**: (پاینده مانی و جاودان / جمهوری اسلامی ایران) است.

مفاهیمی که در بردارنده ملی‌گرایی هستند شامل وفاداری، شکوه، پیشینه تاریخی، شجاعت، فداکاری، نمادگرایی، سرزمین مقدس، دفاع، ثبات، سرمایه جغرافیایی، پیروزی، تنوع فرهنگی، سوگند مقدس و میراث است که تنها مولفه‌های دفاع، فداکاری و شجاعت که با کلمه شهیدان متداعی می‌شود در این سرود مشهود است.

اما از سوی دیگر عناصر اساسی انقلاب که در شعار **استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی**، متبلور شده است، در این سرود به چشم می‌خورد. این پیام از زبان امام، چهره مطرح انقلاب، عنوان شده و دارای بار عاطفی بسیاری است: **(پیامت ای امام استقلال آزادی / نقش جان ماست)**.

مفهوم آزادی در این جا دقیقاً منطبق با همان مفهومی است که مارکوزه در نظر دارد. زیرا با توجه به وضعیت اجتماعی ایران قبل از انقلاب ۵۷ آزادی به مفهوم آزادی در پوشش، حجاب، مصرف کالاهای لوکس، آزادی مسائل جنسی و... وجود داشته است. پس این واژه در تفکر انقلابی باید معنایی فراتر داشته باشد که جزو شعارها و آرمان‌های اساسی انقلاب قرار گرفته است.

طبق نظر مارکوزه نقد مهم‌ترین هدف تفکر فلسفی است که مبتنی بر تمایز دو حوزه «واقع» و «مطلوب» از یکدیگر است (عنایت، ۱۳۵۳: ۲۸). وی معتقد است حاکمیت عقلانیت ابزاری در این جامعه، شکل جدیدی از اسارت انسان بر انسان را موجب شده است. انسان با احساس نیاز کاذبی که در او به وجود می‌آید، به مصرف می‌پردازد تا فناوری پیشرفت کند. جامعه مدرن گرچه بسیار پیشرفته و ثروتمند است، اما به شدت سرکوب‌گر آزادی است. راه‌حل پیشنهادی مارکوزه برای رهایی از بند جامعه مدرن، انقلاب علیه ریشه نظام سرمایه‌داری، یعنی «سود» است (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۱۰۷). آنچه که در انقلاب ۵۷ رخ داد نیز همین بود قیام بر ضد نظام سرمایه‌داری که در یکی دیگر از شعارهای اصلی انقلاب (نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی) تبلور یافت.

بهره‌مندی از آزادی سیاسی، رهایی یافتن از سیاستی است که هیچ‌گونه نظارتی بر اجرای آن ندارند و بهره‌مندی از آزادی فکری، بازگشت تفکر انسان به سوی آزادی است. به همین دلیل، طبقات تحت ستم باید خود را هم از خویشتن و هم از اربابان‌شان آزاد سازند، زیرا انقلاب‌ها در وهله اول، از تنگدستی زاده نمی‌شوند، بلکه از نامردمی، بی‌زاری، اسراف و فراوانی در جامعه مصرفی و مقولاتی این چنینی نشأت می‌گیرند (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۲۸). به همین دلیل، خواست اصلی انقلاب‌ها در واقع یافتن هستی‌یی است که به راستی درخور انسان باشد و بنا کردن شکلی کاملاً نو از زندگی است. بنابراین می‌توان گفت که تعبیری که در انقلاب‌ها روی خواهد داد، الزاماً فقط تغییری کمی نیست، بلکه بی‌گمان تغییری کیفی نیز خواهد بود.

۳-۱-۲. مضامین ایدئولوژیک و انگاره‌های (Emancipation) در سرود ملی کوبا

متن سرود

به سوی نبر بشتابید، مردمان «بایامو»، / برای میهن که با غرور چشم به شما دوخته. / از مرگ باشکوه نمی‌هراسید، / زیرا مرگ برای کشور، زندگیست. / زندگی در زنجیر / زندگی در سرافکندگی و رسوایی است / بشنوید بانک بلند شیپور را، / دلاوران، به سوی نبرد، بشتابید!

مضامین مطرح در سرود ملی کوبا شامل **آزادی**: ستم، بردگی؛ (زندگی در زنجیر/زندگی در سرافکندگی و رسوایی است)؛ **ملی‌گرایی** که شامل سرزمین مقدس؛ (برای میهن که با غرور چشم به شما دوخته)، (از مرگ باشکوه نمی‌هراسید، زیرا مرگ برای کشور، زندگیست)؛ **اتحاد**، (به سوی نبرد بشتابید، مردمان «بایامو») و **پایداری**: خیزش؛ (دلاوران، به سوی نبرد، بشتابید!) است. در این سرود ملی زندگی در زنجیر مساوی با زندگی در سرافکندگی و رسوایی دانسته شده است. بنابراین مفهوم آزادی در این جا با همان مفهوم مارکوزه منطبق است.

مارکوزه ساختارهای نظارت و کنترل را در جوامع مدرن حتی از نظام‌های گذشته نیز شدیدتر می‌بیند، زیرا عصر جدید با استفاده از آخرین دستاوردهای فنی، به شکلی بی‌سابقه در تاریخ بشر، بر ذهن و روان افراد مسلط شده و آنها را به شیوه‌های گوناگون مهار می‌کند. نظام سرمایه‌داری پیشرفته به یاری ماشین عقیده‌سازی و یکسان‌گردانی افراد، ریشه هرگونه مقاومت و اعتراضی را خشک می‌کند، شهروندان را به سوی اطاعت و فرمانبری سوق می‌دهد به گونه‌ای که همه آگاهانه و ناآگاهانه از کارکرد «نظام» پیروی می‌کنند و تداوم آن را باعث می‌شوند، هرچند که نظام از بنیاد با هستی و ذات انسانی آنها در تضاد است (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۳۰). طبق دیدگاه مارکوزه، انسانی که خود را به طور کامل درگیر کالاهای انبوه تولید شده در نظامی مانند نظام سرمایه‌داری می‌کند، در واقع خود را به نوعی دیگر **برده انسان‌ها و تجهیزات تولید شده توسط آنها کرده و آزادی خود را تسلیم** این امکانات کرده است. دارایی‌ها و خوشبختی وی با خواست شخصی خود او به‌دست نیامده، بلکه با تجهیزاتی به او تحمیل شده است. از این رو انسان خود را تحت سلطه چیزی خارج از وجود خود درآورده است (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۵). وی معتقد است که فناوری می‌تواند محیطی به‌وجود آورد که لذت زیبایی‌شناختی و ارضای نیازهای انسان را به ارمغان آورد. دلیل آنکه در حال حاضر فناوری این عملکرد را ندارد نشان از ضعف اجتماعی است که سعی دارد نهایت بهره را از انسان ببرد. فناوری و رهبری ابزارها و دستگاه‌ها که در مجموع تشکیل‌دهنده عصر ماشینی هستند، در واقع متدی برای هدایت و شکل‌دهی به روابط اجتماعی و الگوی رفتاری هستند که در نهایت به رهبران نظام سرمایه‌داری کمک می‌کنند تا جامعه را کنترل کرده و بر آن مسلط شوند. فناوری می‌تواند هم باعث گسترش دیکتاتوری شود و هم آزادی، هم کمبود و هم وفور، هم باعث ادامه کار مشقت‌بار شود و هم از بین بردن آن.

۳-۱-۳. مضامین ایدئولوژیک و انگاره‌های (Emancipation) در سرود ملی ونزوئلا

متن سرود

عظمت برملت شجاع / که بگسست زنجیر را، / به قانون، خوبی و افتخار احترام می‌گذارد. / «بدون زنجیرها! بدون زنجیرها!» / فریاد پروردگارا، فریاد پروردگارا، / و مرد فقیر در کلبه‌اش / آزادی را می‌طلبد. / در این نام مقدس، آنجا لرزید / خودخواهی پست که پیروز شده بود / بیاید بلند فریاد بزنییم: / مرگ بر ظلم! / هم‌میهنان باوفا، استقامت‌تان / می‌باشد در

اتحادتان،/ و از بهشت ما/ خالق متعالی/ یک روح عالی دمید/ به ملت‌ها./ پیوسته همانند زنجیر/ با روحی بهشتی/ همه آمریکایی هستند/ مانند یک ملت واحد/ واگر ظلم/ صدایش برخیزد/ دنبال کنید دوستی را/ که توسط «کاراکاس» داده شده است.

این سرود شامل مضامین **آزادی**: ستم، بردگی؛ «عظمت برملت شجاع / که بگسست زنجیر را»؛ «و مرد فقیر در کلبه‌اش آزادی را می‌طلبد.»؛ «بیاید بلند فریاد بزنیم: مرگ بر ظلم!»؛ **ملی‌گرایی**: «عظمت برملت شجاع / که بگسست زنجیر را»؛ سرزمین مقدس؛ (برای میهن که با غرور چشم به شما دوخته.) (از مرگ باشکوه نمی‌هراسید، زیرا مرگ برای کشور، زندگیست.)؛ **دین**: ایمان؛ «فریاد پروردگارا، فریاد پروردگارا»؛ «و از بهشت ما/ خالق متعالی/ یک روح عالی دمید/ به ملت‌ها.»؛ **اتحاد**: «هم‌میهنان باوفا، استقامت-تان/ می‌باشد در اتحادتان»؛ «همه آمریکایی هستند/ مانند یک ملت واحد»؛ «پیوسته همانند زنجیر/ با روحی بهشتی»؛ **پایداری**: خیزش و استقامت؛ «واگر ظلم/ صدایش برخیزد/ دنبال کنید دوستی را/ که توسط «کاراکاس» داده شده است.»؛ «هم‌میهنان باوفا، استقامت‌تان/ می‌باشد در اتحادتان»؛ است.

مفهوم آزادی در این سروده بسیار پررنگ است. تصویر زیبایی که از آزادی خلق شده است (و **مرد فقیر در کلبه‌اش/ آزادی را می‌طلبد**)، دقیقاً منطبق با همان مفهوم رهایی مارکوزه است. مرد فقیر دنبال نان نیست بلکه دنبال آزادی است. مارکوزه با نگاهی ناخرسند و انتقادی جامعه مدرن را تحلیل می‌کند. به گمان او جامعه پیشرفته مدرن نه پیشرفته است و نه مدرن. از نظر او این جامعه پیشرفته نیست، زیرا فرم‌های نادانی و بردگی و بهره‌کشی انسان از انسان را به یاری فناوری پیشرفته در مقیاس و گستره بالاتری ادامه داده است. مناسبات بهره‌کشی که در «تمدن مدرن» جریان دارد، تنها شکل‌های تازه‌ای از همان بنیادها و ساختارهای قدیمی هستند که به اندازه تاریخ بشر عمر دارند.

مارکوزه مانند سایر اندیشمندان «مکتب فرانکفورت» به این نتیجه رسیده بود که دموکراسی در جوامع سرمایه‌داری مدرن بر پایه‌هایی سست تکیه دارد. بهره‌کشی، تسلط مطلق سرمایه و آیین سودجویی و چیرگی دستگاه‌های سرکوب، **آزادی فردی** را در این جوامع به حباب‌هایی بدل کرده که زیر فشار بحران‌های اجتماعی و سیاسی به دیکتاتوری و خودکامگی بدل می‌شوند. باید به یاد داشت که تجربه مخوف اعتلای دیو فاشیسم در اروپا و جنگ جهانی دوم خاطره دردناکی بود که برای بسیاری از روشنفکران آگاه، رؤیای مدرنیته را به کابوسی هولناک بدل کرد. مارکوزه و هم‌نسلان او به چشم دیدند که جامعه مدرن که به الهام از درخشان‌ترین آموزه‌های روشنگری بنا شده بود، به سادگی و ظرف مدتی کوتاه در جهنم جنگ و شرارت نابود شد.

۳-۲. ویژگی موسیقایی سرودهای ملی

تاریخ سرودهای ملی به نیمه اول قرن نوزدهم و در پی انقلاب فرانسه باز می‌گردد. زمانی که سرودهای میهنی با ملودی‌های عمدتاً عامیانه که بیانگر خودانگاره ملی تلقی می‌گردیدند، گسترش یافته و در مناسبت‌ها و جشن‌های سیاسی و ورزشی خوانده و اجرا می‌شوند که امروزه بخشی از پروتکل‌ها در ارتباطات دیپلماتیک محسوب می‌گردند (DUDEN Musik, Das Dictionary Fachlexikon, صفحه ۲۸۸).

در میان سرودهای ملی کشورها، کهن‌ترین سرود، سرود ملی کشور انگلستان است که هم‌زمان با ظهور «یاکوب‌ها» که از طرفداران سلطنت جیمز اول، پادشاه مخلوع انگلستان در قرن هفدهم میلادی بوده‌اند، نوشته و اجرا شده است؛ هرچند ملودی آن را مربوط به دورانی پیش‌تر از آن می‌دانند (آزاده، ۱۳۸۳: ۵۲۰).

در شرق نیز اولین سرود ملی، سرود ملی کشور ایران است که در سال ۱۸۷۳ توسط «آلفرد ژان - باتیست لومر» ساخته شده و تا سال ۱۹۰۹ در مراسم گوناگون اجرا می‌شده است و پس از آن کشور ژاپن است که سرود ملی خود را در سال ۱۸۹۳ ساخته است (درویشی، ۱۳۷۳: ۳۱).

منشا سرودهای ملی کشورها را در مجموع بر اساس ویژگی‌های موسیقایی به پنج گروه می‌توان تقسیم کرد:

۱ - سرودهای مذهبی (Hymns) ۲ - سرودهای نظامی (Marches) که به عنوان نمونه «سرود مارشاریل» [Marchareal] اسپانیایی اولین سرود نظامی بود که تبدیل به سرود ملی شد. ۳ - سرودهای آپرایی (Operatic Anthems) که شدیداً متأثر از اپراهای قرن ۱۹ ایتالیا هستند؛ مانند سرود ملی کشور السالوادور که شکل گرفته از آپرهای «وردی» است. ۴ - سرودهای محلی (Folk Anthems) که منشأ آنها موسیقی فولکوریک بوده است؛ مانند سرودهای ملی ژاپن، میانمار و سریلانکا که توسط سازهای محلی نیز اجرا می‌شوند. ۵ - فانفارها (Fanfares) که ترکیب سازهای برنجی «برس» بوده‌اند که بدون کلام نیز اجرا می‌شده‌اند. کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه، مانند: بحرین، کویت، قطر و امارات متحده عربی سرود ملی خود را از فانفارها شکل داده‌اند.^۱

ملودی سرودهای ملی می‌بایست بسیار ساده و روان و متناسب با توانمندی اجرایی عمومی تصنیف شود تا توده‌های مردم با کمترین شناخت از موسیقی بتوانند آن را زمزمه کنند. همچنین زمان سرودهای ملی معمولاً بنا به دلایل متعدد حدود ۲ دقیقه است به دلیل اینکه به راحتی توسط مردم حفظ شود و در سان‌های نظامی و ملاقات‌های رسمی زمان طولانی آن سبب ایجاد اختلال نشود و امنیت مراسم حفظ گردد.^۲ در کنکاش تحلیلی سرودهای ملی این نتیجه حاصل شده است که برخی همانند سرود ملی ایران بر روی آهنگ تصنیف شده شعر گذاشته شده است^۳، ولی در برخی سرودهای کشورهای جهان اشعار قدیمی و یا ملودی قدیمی را انتخاب و بر روی آن آهنگ ساخته شده است و یا شعری بر روی ملودی ساخته شده قدیمی قرار گرفته است به شکلی که در برخی کشورها به دلیل قدمت و فقدان مستندات، سازنده آهنگ و یا شعر آن‌ها نامشخص است.

ملودی برخی از سرودهای ملی توسط آهنگ‌سازان شناخته شده در جهان ساخته شده است همچون سرود ملی کشور آلمان که ملودی آن متعلق به آهنگساز شناخته شده فرانتس ژوزف هایدن (Franz Joseph Haydn 1732-1809) است. اما اساساً پرداخت، هارمونی و ارکستراسیون ملودی‌ها بیشتر بر اساس اصول دوره کلاسیک و یا بعضاً دوره رمانتیک موسیقی کلاسیک اروپایی است. موسیقی سرود ملی ایران^۴ بنا به اذعان آهنگ‌ساز اثر، الهام‌گرفته از ردیف موسیقی ایران و پیش‌درآمد دستگاه ماهر است و فرودش گوشه می‌گلی است و با اوج هم تمام می‌شود.^۵ البته روند حرکت ملودی به همان شکل است که خالق آن گفته است، ولی همانگونه که ذکر گردید اصول ارکستراسیون و هارمونی تابع مبادی آهنگ‌سازی دوره کلاسیک موسیقی کلاسیک اروپایی است.

۱. دیکشنری گروس صفحه ۷۵۳.

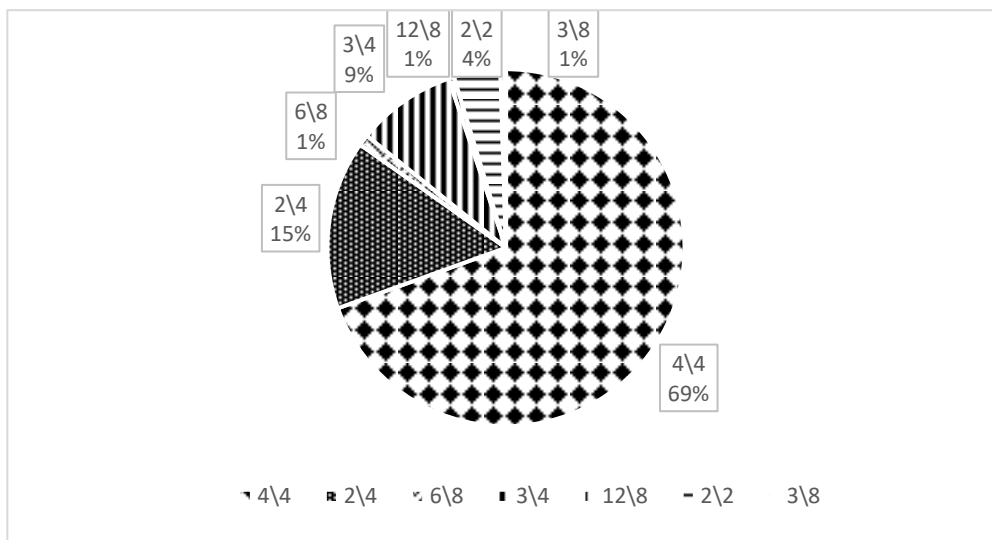
۲. مصاحبه با تقی خرابی با عنوان ارایه تعریف سرود ملی و مارش، دانشکده موسیقی دانشگاه هنر، ۱۴۰۱/۸/۲۲

۳. مصاحبه نگارنده با دکتر حسن ریاحی سازنده سرود ملی ۴ آذر ۱۴۰۱ که ایشان اذعان نمودند علاوه بر اینکه آهنگ ابتدا ساخته شده است شعر سرود ملی ایران به این شکل توسط جمعی از شعرا سروده شده است.

۴. نخستین سرود ملی با عنوان سلام شاه را لومر ساخت. سرودهای بعد از آن به ترتیب توسط غلامرضا خان مین‌باشیان با نام سلامتی دولت عَلَیْهِ ایران و پس از آن در دوران پهلوی اول و دوم سرود شاهنشاهی ساخته داوود نجمی مقدم و در ابتدای انقلاب اسلامی مدتی سرود ای ایران ساخته روح الله خالقی سرود ملی ایران بود و پس از در دوران جمهوری اسلامی سرود «شد جمهوری اسلامی به پا» ساخته محمد بیگلری‌پور و پس از آن سرود «مهر خاوران» ساخته حسن ریاحی سرود ملی ایران شد.

۵. حسن ریاحی در گفتگو نقل شده‌اش در سایت رهبر جمهوری اسلامی آیت الله خامنه‌ای چنین گفته است:

متر سرود ملی ونزوئلا و کوبا ۲/۴ است و متر سرود ملی ایران ۴/۴ که با تعریف سرود ملی و مارش‌های نظامی تطابق دارد. اگر چه درصد بیشتری از سرودهای ملی (طبق نمودار ارائه شده در متن پیوست) ۴/۴ (با فراوانی ۶۹ درصد) و ۲/۴ (با فراوانی ۱۶ درصد) در صدر بیشترین مترهای به کار رفته در سرودهای ملی است. به نظر می‌رسد روند حرکت ملودی در سرودهای ملی کشورهای ونزوئلا و کوبا احساس مارش نظامی را بیشتر القا می‌کند و سرود ملی ایران حالتی تغزلی‌تر دارد که شاید این منشا از پرش‌های (اینتروال‌های) به کار رفته در دو سرود ونزوئلا و کوبا است و از طرفی حرکت ملودی در سرود ملی ایران پیوسته‌تر و با فواصل گسسته کمتری است. با تحلیل مترهای سرودهای ملی کشورهای جهان می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که میزان نماهای ۴/۴ و ۲/۴ بیشترین فراوانی را در سرودهای ملی داراست که بررسی متریک تمامی سرودهای ملی به تفکیک و درصدهای لازمه به شرح زیر می‌باشند:



این تحلیل با تعریف دیکشنری آلمانی از مارش نظامی تا حد زیادی هم‌پوشانی دارد: مارش یک قطعه موسیقی است که راه رفتن یا راهپیمایی (رژه) را با ضرب تکراری ۲/۲، ۲/۴ و ۴/۴ همراهی می‌کند. موسیقی مارش از اواسط قرن هیجدهم و معمولاً از دو بخش ۸-۱۶ ضریبی تشکیل شده است. همچنین شامل یک بخش میانی است که به شکل تریو ساخته و پرداخته می‌شود. مهم‌ترین فرم

دکتر ریاحی: «زمانی که سه سرود انتخاب شد، ما رفتیم خدمت ایشان. این سه سرود پخش شد. ایشان در مورد سرودی که من ساخته بودم توضیحاتی خواستند که من خدمتشان گفتم که الهام‌گرفته از پیش‌درآمد ماهر است و فرودش گوشه‌ی می‌گلی است و با اوج هم تمام می‌شود. ایشان اظهار رضایت داشتند از این که ملودی روان و ساده‌ای است و راحت به ذهن می‌نشیند.

سازنده این اثر منتخب، دکتر حسن ریاحی بود. او که آن زمان مدیرکل مرکز موسیقی سازمان صداوسیما بود، درباره ساخت اثر خود می‌گوید: «یادم می‌آید در آن زمان فکر من مشغول طراحی سرود ملی بود. چون باید سرود ملی ماندگاری می‌شد. خوب خیلی به خلوت می‌رفتم و فکر می‌کردم. دو مسأله برای من بسیار مهم بود. مسأله اول این که باید سرود ملل مختلف جهان را مطالعه می‌کردم و می‌دیدم از لحاظ هارمونی، فرم و مدت، آن‌ها چه کار کرده‌اند؟ البته سرودهایی را بررسی می‌کردم که به نظرم موفق بودند. مسأله مهم‌تر برای من این بود که سرود ملی باید الهام‌گرفته از موسیقی کشور ایران می‌بود که من دستگاه ماهر - که همان ماژور فرنگی‌هاست - را انتخاب کردم و بر اساس این دستگاه - پیش‌درآمد ماهر - این اثر را ساختم.»

مارش، مارش‌های نظامی هستند (Militaer Marsch)(دیکشنری DUDEN Musik, Das Fachlexikon نشر Dudenverlag، آلمان: صفحه ۲۴۶-۲۴۷).

اگر چه مارش‌هایی که در مراسم اجرای سرودهای ملی اجرا می‌شوند قابل تفکیک به مارش‌های استقبال و بدرقه نیز می‌باشند که غالباً با مترهای ۳/۴ و ۳/۸ اجرا می‌شوند.^۱

۴. نتیجه‌گیری

مارکوزه فیلسوفی بود که به تعبیر مارکس، خواهان تغییر جهان بود و نه تفسیر آن. از این رو فلسفه او آموزه‌ای انتزاعی در عرصه مقولات ناب فلسفی یا متافیزیک نیست، بلکه به مفاهیمی زنده و مشخص می‌پردازد که به زندگی و روزگار او مربوط می‌شوند، مانند آزادی و محدودیت‌های آن، عوامل اسارت و بندگی بشر، تنهایی و ازخودبیگانگی انسان در جوامع معاصر، راه‌های نیکبختی انسان و شکوفایی استعداد‌های او ...

در نهایت مارکوزه نتیجه می‌گیرد که انسان‌های امروزی، آزادی طبیعی خود را از دست داده‌اند و به اسارت نیازهای کالای صنعتی که ظاهری فریبنده توأم با رفاه به ارمغان آورده است، درآمده‌اند. مارکوزه در آخر این سوال را مطرح می‌سازد که چگونه می‌توان از قید اسارت کارفرمایان و خواست‌های خویش بیرون شد؟ چگونه باید به این دور باطل اندیشید و آن را درهم شکست؟ مارکوزه نقد خود را با این برنهاد شروع می‌کند که شهروندان جوامع صنعتی مدرن به ظاهر خرسند هستند زیرا در «رفاه» زندگی می‌کنند، انبوه کالاهای مصرفی را در اختیار دارند و نیازهای خود را به راحتی برآورده می‌سازند. آنها خود را خوشبخت و مرفه می‌دانند زیرا می‌توانند هر قدر که بخواهند، مصرف کنند و از فرآورده‌های تولیدی بهره ببرند. اما مشکلی که از آن غافل هستند این است که آنها نیازهای حقیقی خود را نمی‌شناسند و مصرف آنها بر پایه نیازهای بدلی و جعلی است که به آنها تلقین شده است. نظام سرمایه‌داری به یاری شبکه‌ای مدرن و مجهز از امکانات و تجهیزات تبلیغاتی که به شستشوی مغزی و هدایت روانی افراد بی‌شبهت نیست، نخست به افراد تلقین می‌کند که نیاز آنها چیست و سپس به آنها می‌آموزد که آن نیازهای دروغین و کاذب را چگونه ارضا کنند.

تبلور تئوری انقلابی مارکوزه را می‌توان در سرود ملی کشورهای انقلابی همچون ایران، ونزوئلا و کوبا که همگی بر ضد نظام امپریالیستی و سرمایه‌داری قیام کردند، مشاهده کرد. انگاره‌هایی در این سرودها کاملاً منطبق بر مفهوم (Emancipation) مارکوزه است. نگاهی به وضعیت ایران پیش از انقلاب می‌تواند شهادی بر این مدعا باشد. همچنین در فرمایشات بنیانگذار انقلاب نیز می‌توان عصاره این تئوری را دریافت، آنجا که هدف انقلاب را رساندن آدمی به مقام شامخ انسانی دانسته‌اند و نه رسیدن به رفاه و مصرف بیشتر.

سرود ملی کشورهای مذکور از منظر **موسیقایی** نیز منحصر بفرد بوده و دارای تمی ریتمیک و حماسی است که بیشتر شبیه مارش نظامی است و این نیز همسو و همراستا با مضامین انقلابی سرودهاست. متر سرود ملی ونزوئلا و کوبا ۴/۲ است و متر سرود ملی ایران ۴/۴ که با تعریف سرود ملی و مارش‌های نظامی تطابق دارد. اگر چه درصد بیشتری از سرودهای ملی (طبق نمودار ارائه شده در متن پیوست) ۴/۴ (با فراوانی ۶۹ درصد) و ۴/۲ (با فراوانی ۱۶ درصد) در صدر بیش‌ترین مترهای به‌کار رفته در سرودهای ملی است.

^۱. مصاحبه با تقی ضرابی با عنوان ارایه تعریف سرود ملی و مارش، دفتر گروه موسیقی نظامی دانشکده موسیقی دانشگاه هنر، ۱۴۰۱/۸/۲۲

به نظر می‌رسد روند حرکت ملودی در سرودهای ملی کشورهای ونزوئلا و کوبا احساس مارش نظامی را بیشتر القا می‌کند و سرود ملی ایران حالتی تغزلی‌تر دارد که شاید این منشا از پرش‌های (اینتروال‌های) به کار رفته در دو سرود ونزوئلا و کوبا است و از طرفی حرکت ملودی در سرود ملی ایران پیوسته‌تر و با فواصل گسسته کمتری است.

منابع

- آزاده، پویان (۳۴). *سرودهای ملی کشورهای جهان*، سمنان: آبرخ.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۵). «اثر انقلاب اسلامی ایران در نظریه‌های وقوع انقلابات»، *نشریه پژوهش حقوق و سیاست*، سال هشتم، ش ۲۱، پاییز و زمستان ۸۵، صص ۷-۵۲.
- پیرانی، شهره و غفاری، زاهد (۱۴۰۱). «تحلیل مضامین سرودهای ملی انقلابی کشورهای ایران، روسیه، فرانسه»، *فصل‌نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۱۸، ش ۶۶ خرداد ۱۴۰۱.
- درویشی، محمودرضا (۱۳۷۳). *نگاه به غرب*، تهران: نشرماه‌ور.
- رایجی، محمد و سلطانی، مهدی (۱۴۰۰). «بازخوانی فرهنگ ناسرکوبگر مارکوزه»، *فصل‌نامه اسلام و مطالعات اجتماعی*، دوره ۹، ش ۱ (پیاپی ۳۳)، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۲۵-۱۴۹.
- زارع، جواد و باباپور، شیما (۱۳۹۸). «بازتاب باورهای ایدئولوژیک در سرودهای ملی جهان»، *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناختی و زبان‌های خارجی*، دوره ۹، ش ۱، بهار ۹۸، صص ۹۹-۱۲۲.
- سبزه‌کار، علیرضا (۱۳۸۳). «بررسی نقش ایدئولوژی‌ها در انقلاب»، *پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد*، استاد راهنما: حسین کچوقیان، دانشگاه تربیت مدرس.
- سنجابی، اعظم و داوری اردکانی، نگار (۱۳۹۵). «کاوشی در ساختار زبانی و محتوایی سرودهای ملی کشورهای اروپایی»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، پیاپی ۴۲، بهار ۹۵، ش ۲، صص ۱۵۰-۱۶۹.
- سنجابی، اعظم و داوری اردکانی، نگار (۱۳۹۳). «کنکاشی در ساختار زبانی و محتوایی سرودهای ملی (مطالعه‌ای تطبیقی کشورهای آسیایی و پنج عضو دائم شورای امنیت)»، *نشریه نقد ادبی*، تابستان ۹۳، ش ۲۶، صص ۹۱-۱۲۱.
- سنجابی، اعظم و داوری اردکانی، نگار (۱۳۹۳). «توصیفی فرازبانی از سرودهای ملی کشورهای جهان و ارتباط آن با توسعه یافتگی»، *نشریه زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، پاییز و زمستان ۹۳، ش ۱۱، صص ۱۲۷-۱۴۸.
- عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط (۱۳۹۸). «بررسی مولفه‌های گفتمان‌مدار در مربع ایدئولوژیک سرودهای ملی کشورهای عربی حوزه شام بر اساس مدل ون دایک»، *لسان‌مبین/پژوهش ادب عرب*، تابستان ۹۸، دوره ۱۰، ش ۳۶، صص ۱۰۱-۱۲۲.
- عنایت، حمید (۱۳۵۳). *جهانی از خود بیگانه*، تهران: انتشارات فرمند.
- غیاثیان، مریم‌سادات و لبش، علی‌اکبر (۱۳۹۵). «بررسی رابطه سرودهای ملی حماسی با انگیزش احساسات و همبستگی غرور ملی»، *نشریه دری ادبیات غنایی عرفانی*، ش ۱۰، صص ۶۳-۷۶.
- کاسما رای آمنوروی، گرتروید ییدن پواگروما (۱۳۹۵). «تحلیل محتوای مضامین به کاررفته در سرودهای ملی کشورهای غرب آفریقا»، *نشریه زبان‌شناسی کاربردی و تحلیل گفتمان*، زمستان و بهار ۲۰۱۹، ش ۱۲، صص ۱۴۱-۱۵۱.
- کتابی، محمود (۱۳۷۲). «مارکوزه و جهان سوم»، *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، آذر و دی ۱۳۷۲، ش ۷۵ و ۷۶، صص ۳۰-۳۳.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۵۹). *انسان تک‌ساختی*، ترجمه محسن مویدی، تهران: نشر امیرکبیر.
- مارکوزه، هربرت (۱۳۸۸). *گفتاری در رهایی*، چ دوم، ترجمه محمود کتابی، آبادان: نشر پرسش.

مور، مایکل (۱۳۸۳). «سرود ملی، آوای شجاعت، سربلندی و افتخار»، ترجمه مونا مشهدی رجبی، نشریه فرهنگ و پژوهش، ش ۱۷۳، صص ۲۱-۳۲.

مهرپور، سعید؛ احمدی، حبیب و نادری، مرجان (۱۳۹۳). «تحلیل گفتمان شناسی گزیده‌ای از سرودهای ملی کشورهای جهان»، نشریه توسعه اجتماعی، بهار ۹۳، ش ۳، صص ۷۵-۹۶.

Grove, George , (1878) , Dictionary of Music and Musicians , First Publication, 22 volumes, London, England : Macmillan and Co.

Das Fachlexikon Dictionary, DUDEN Musik, (2015), Germany: Dudenverlag.